

حزب از منظر اندیشه سیاسی اسلامی رویکرد کلامی، فقهی و فلسفی

محمد ذوالفقاری*

چکیده

در برداشتی عام از معنای لغوی واژه «حزب» می‌توان حزب را یک پدیده کهن دانست که اختصاص به هیچ تمدنی نداشته، بلکه از آنجا که تأسیس اجتماع و هر جامعه‌ای (از جمله جامعه اسلامی) به نوعی وجود داشته است. اما همزمان با لیبرال دموکراسی غربی، حزب در ادبیات سیاسی مفهوم نوینی پیدا کرد. بعد از شکل‌گیری احزاب نوین در جوامع اسلامی، چیستی، چرایی، چگونگی و مشروعیت حزب در اندیشه سیاسی اسلامی همواره مورد مناقشه متفکران سیاسی اسلامی بوده است.

در این مقاله تلاش شده تا با واکاوی مفهوم لغوی و اصطلاحی حزب در ادبیات سیاسی کهن، اسلامی و غربی، و بررسی مبانی آنها، و ارائه یک مفهوم نوین و جهان‌شمول از حزب، در نهایت جایگاه حزب از منظر کلامی، فقهی و فلسفی اسلامی تبیین گردد.

نگارنده، با توجه به فراهم بودن مقتضیات شرعی و عقلی برای وجود احزاب در درون مبانی اسلامی، وجود حزب و آزادی عمل آنها را در درون جامعه اسلامی مثبت ارزیابی کرده است. هدف و روش این پژوهش، بررسی فرضیه مطرح شده با بهره‌گیری از منابع اسلامی و با روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حزب، حزب‌الله، حزب‌الشیطان، رقابت سیاسی، قدرت سیاسی، اندیشه سیاسی اسلامی.

مقدمه

با گسترش نظام لیبرال دموکراسی در کشورهای مختلف، و نقش آفرینی عمیق «حزب» به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی آن در تحولات سیاسی، مفهوم حزب در ادبیات سیاسی معاصر رواج گسترده‌ای یافت. پیشینه حزب در ایران به زمان نهضت مشروطه برمی‌گردد که همزمان با آن احزاب در ایران شکل گرفتند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این بحث که «حزب در اندیشه سیاسی اسلامی چه جایگاهی دارد و با توجه به استقرار نظام ولایت فقیه، احزاب در جمهوری اسلامی ایران چه موقعیتی خواهند داشت؟» مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفت. بعضی با توجه به جدید بودن حزب، آن را صرفاً محصول لیبرال دموکراسی غرب و مغایر با آموزه‌ها و مبانی فقهی و دینی دانسته، به رد آن پرداختند. برخی در مقابل، آن را به عنوان محصول موفق تجربه لیبرال دموکراسی غرب دانسته و بدون توجه به مؤلفه‌ها و مبانی حزب، آن را پذیرفتند. گروهی نیز با بررسی مبانی فقهی و دینی حزب، قایل به بازسازی آن شدند. اغلب کتب و مقالات منتشرشده در این موضوع صرفاً به توصیف حزب غربی پرداخته‌اند و کمتر به جایگاه حزب در اسلام از منظر رویکردهای مختلف توجه کرده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های **حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز^(۱)** و **پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب^(۲)** اشاره کرد. در برخی آثار، رویکرد اسلامی مدنظر بوده است؛ از جمله: **مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام^(۳)**، **مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه^(۴)** و مقاله‌های «تحزب و مبانی آن در فقه سیاسی شیعه^(۵)» و «جایگاه حزب در اسلام^(۶)». اما در این آثار نیز برداشت محدودی از حزب ارائه شده و تعریفی جامع که مبین حزب در همه فرهنگ‌ها از جمله

فرهنگ اسلامی و غربی باشد، ارائه نشده و نیز رویکردهای مختلف مدنظر قرار نگرفته است. در این نوشتار، نخست با تبیین مفهوم لغوی حزب، برداشتی عام، تاریخی و جهان‌شمول از حزب ارائه شده که قابل انطباق بر همه تعاریف خواهد بود. سپس با توصیف مفهوم اصطلاحی، خاستگاه و مبانی حزب در غرب، به ارزیابی اجمالی آن می‌پردازد تا در نهایت، بتوان جایگاه واقعی حزب بر اساس مبانی اندیشه سیاسی اسلامی تبیین گردد. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش این است: جایگاه حزب در اندیشه سیاسی اسلامی چگونه قابل تبیین است و اندیشمندان مسلمان چه رویکردهایی نسبت به این مقوله داشته‌اند.

نگارنده با استناد به منابع اسلامی و تبیین و تحلیل رهیافت‌های مختلف، وجود حزب و آزادی عمل آنها را در درون جامعه اسلامی، مثبت ارزیابی نموده است.

مفاهیم و کلیات

می‌توان دو برداشت از مفهوم حزب ارائه کرد:

الف. برداشتی عام و کهن که مبتنی بر مفهوم لغوی حزب است.

ب. برداشتی خاص که مبتنی بر مفهوم اصطلاحی حزب در فرهنگ اسلامی و غربی می‌باشد.

مفهوم لغوی حزب

در فرهنگ و ادبیات اسلامی نیز واژه «حزب» در قالب آیات و روایات استعمال شده است. لغت حزب از زبان عربی عاریت گرفته شده است. در فرهنگ و لغت عربی و فارسی «حزب» به معنای «جماعتی از مردم، سلاح،

مفهوم حزب (ماهیت عام و جهانشمول)

اگر مفهوم حزب را با نگاهی تاریخی و به معنای عام و وسیع آن در نظر بگیریم، باید گفت: «حزب» پدیده‌ای همزاد تشکیل اولین اجتماعات کوچک قبیله‌ای است. از این رو، قدمت و خاستگاه آن ریشه‌ای به عمق تاریخ دارد. برخی از فیلسوفان سیاسی با یک نگاه تاریخی، سابقه تشکیل اولین جامعه را در نهاد خانواده می‌دانند. بعد از ازدواج، زوج از نوعی آمریت، قدرت و مدیریت، که جنبه تکلیفی - طبیعی دارد، بر همسر و فرزندان و خادمان، برخوردار می‌شود. سپس به تدریج از مجموع دو یا چند خانواده، ابتدا قبیله و سپس دهکده، شهر و کشورها شکل گرفتند. قدرت پدری نیز در یک روند تکاملی، در قالب رئیس قبیله، کدخدا و حاکم ظهور می‌یابد. همزمان با تشکیل اولین جامعه و اولین نوع قدرت، ممکن است قدرت‌های نقاد، رقیب، و مخالف نیز شکل بگیرند.

از این رو، منشأ پیدایش احزاب را می‌توان ناشی از شکاف‌ها، اختلاف‌ها و تضادهای اجتماعی دانست که ابتدا در سطح جوامع قبیله‌ای و کوچک رخ می‌داد که در آن، افرادی از داخل همان قبیله یا یک قبیله دیگر برای کسب قدرت و مقابله با گروه و طبقه حاکم بر قبیله، اقدام به ایجاد گروه‌هایی مبارز و رقیب می‌کردند. بنابراین، می‌توان بر اساس معنای لغوی و اصطلاح عام حزب، وجود امکانی و وقوعی حزب را از بدو تأسیس اولین جوامع کهن تا به امروز پذیرفت.

با پذیرش این مفهوم (و با توجه به شاخص قرآن برای دسته‌بندی احزاب)، می‌توان پیشینه احزاب را در اول خلقت و در قالب دو حزب جست‌وجو کرد: «حزب الله» با عضویت حضرت آدم، حواء و هابیل و «حزب الشیطان» با عضویت ابلیس و جنودش از جمله قابیل. چون بنا بر ملاک‌هایی که برای حزب الله و حزب الشیطان در ادبیات

پیروان و هم‌مسلمانان شخص، بهره و قسمت، و یک قسمت از شصت قسمت قرآن آمده است.^(۷) حزب به معنای «تجمع مردم در یک محل خاص، تجمع مردم برای حمایت از کسی، تجمع مردم برای مقابله با فرد یا گروهی، و گروه گروه شدن مردم» است.^(۸) راغب اصفهانی می‌نویسد: «الحزب: جماعة فیها غلظ»؛^(۹) گروهی از مردم که با شور حماسه از آرمان‌های مشترک خود دفاع می‌نمایند. صاحب کتاب *التحقیق* آورده است: «حزب یعنی تجمع بر مبنای اندیشه و هدف واحد. اما شدت و غلظت (تعصب) از لوازم طرف‌داری از حزب می‌باشد».^(۱۰) بنا بر نظر فخر رازی، «حزب در لغت، یاران یک فرد هستند که با او هم عقیده‌اند و گروهی هستند که برای امور حزبی و گروهی خود اجتماع می‌کنند».^(۱۱)

واژه «party» در انگلیسی برگرفته شده از مصدر «partir» به معنای «رفتن و قسمت کردن» است. در قرون وسطا معنای نظامی داشت و به دسته‌ای که برای رفتن به صحنه نبرد از دیگران مجزا و اعزام می‌شدند اطلاق می‌گردید. در قرن نوزدهم برای مدت‌ها واژه «party» با «گرایش و طرز فکر» مترادف بود؛ گرایشی که اندیشه‌های یک طبقه یا گروه اجتماعی شخص را به نمایش می‌گذارد. مثلاً، «حزب کارگر» به معنای سازمان کارگری تلقی نمی‌شد، بلکه گرایشی بود برای دفاع از منافع کارگران.^(۱۲) همزمان با مدرنیته، حزب به عنوان فرزند دموکراسی، و نظام‌های حزبی به عنوان آخرین مرحله از فرایند توسعه و نوسازی سیاسی در اروپا، وارد مرحله جدید و دارای بار معنایی خاصی شد و منشأ تحولات چشمگیری در غرب گردید. از دهه ۱۸۶۰ بود که احزاب جدید در قالب سازمان‌ها و تشکل‌های پایدار و سراسری ظهور کردند و موجی از ادبیات نو درباره آنها پدید آمد.^(۱۳)

مفهوم اصطلاحی حزب

حزب در اصطلاح قرآنی

واژه حزب در قرآن و روایات به سه صورت جمع، تشبیه و مفرد استعمال شده است. حزب به صورت مفرد مجموعاً ۸ بار در قرآن به کار رفته است.^(۱۴)

عَلَّامَهُ طَبَاطِبَائِي ذِيْلَ آيَةٍ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ﴾ (روم: ۳۲) می‌فرماید: «در این جمله خداوند، مشرکین را به خصوصی‌ترین صفاتی که در دین دارند معرفی نموده، و آن این است که: در دین متفرقند، و دسته دسته و حزب حزب هستند، و هر حزب به دین خود خوشحال است، و علت آن همان است که... مشرکین اساس دین خود را بر هوا و هوس نهاده‌اند.»^(۱۵) «خداوند رسولان خود را یکی پس از دیگری به سوی بشر فرستاد و همه آنها امتی واحد و دارای ربی واحدند. ایشان را به سوی تقوا دعوت کردند، و لیکن بشر به امر ایشان عمل نکرد. در نتیجه، امر آنان بین ایشان پاره پاره شد و آن را به صورت کتاب‌هایی درآورده، هر جمعیتی کتابی را به خود اختصاص دادند، و هر حزبی به آنچه داشتند دلخوش گشتند.»^(۱۶)

فخر رازی در تفسیر «حزب‌الله» اقوال مختلفی ذکر می‌کند: «ابوالعالیه آن را «شیعه‌الله» می‌داند و اخفش می‌گوید: حزب‌الله کسانی هستند که متدین به دین خداوند هستند و از خدا اطاعت می‌کنند و خداوند آنها را یاری می‌دهد.»^(۱۷) «واحدی در اسباب النزول می‌نویسد: «حزب‌الله یعنی شیعه و مطیع خدا و رسول خدا و ولی خدا که آنها بر جمیع انسان‌ها غالب و برتر خواهند بود.»^(۱۸) براساس شاخص‌های مذکور در آیات ۲۲ سوره «مجادله» و ۵۶ سوره «مائده» اوصاف حزب‌الله عبارت است از:

۱. گروهی بودن ﴿قَوْمًا﴾؛

۲. ایمان قلبی و واقعی به مبدأ و معاد ﴿قَوْمًا يُؤْمِنُونَ

قرآنی و روایی آمده - که بحث آن به تفصیل خواهد آمد - عموم انسان‌ها در این تقسیم حزبی قرار دارند و خاص مسلمانان نیست.

برای حزب در این معنا می‌توان چند عنصر اصلی را نام برد:

۱. اشتراک (اهداف مشترک): اعضای یک حزب دارای عقاید، آرمان‌ها، مبانی، رفتارها و انسجام و اهداف مشترکی بوده‌اند.

۲. انسجام (ساختوارگی): اشتراکات در بین اعضای یک حزب، به طور طبیعی و ارادی منجر به ایجاد انسجام و تشکل گروهی بر حول اشتراکات می‌شود.

۳. افتراق: یعنی گروه حزبی اگرچه داخل در اجتماع بزرگ می‌باشند، اما به خاطر عقاید، رفتارها، اهداف و سازمان متمایزی که دارند، به نوعی جدا از دیگر گروه‌ها و احزاب رقیب بوده‌اند.

۴. رقابت (کارویژه‌ها): یعنی یکی از اهداف اساسی حزب، رسیدن به اهداف تعیین شده از طریق کسب، نفوذ و کنترل قدرت به شکل‌های مختلف، از جمله رقابت و مقابله منسجم و روشمند با گروه‌ها و احزاب حاکم و غیرحاکم برای جذب افکار و آراء مردم بوده است. این مفهوم از حزب، هم با تعاریفی که اهل زبان و نیز سیاست‌شناسان از حزب ارائه کرده‌اند سازگار است و هم با کاربری حزب در متون اسلامی همخوانی دارد. حزب سیاسی به این اعتبار، اختصاص به هیچ تمدنی ندارد، بلکه حزب به این معنا عام و جهان‌شمول است که قدمتی کهن به عمق تاریخ شکل‌گیری جوامع کوچک تا به امروز دارد. از این رو، می‌توان گفت که حزب به مفهوم عام، در همه جوامع، از جمله جوامع اسلامی و غربی، به نوعی وجود داشته است.

مقابل پیامبر ﷺ ایستادند و در جهت مقابله با آموزه‌های دین اسلام تلاش کردند. (۲۱)

حزب در اصطلاح روایی

حدیث ۱: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ... فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا بَعْدِي وَلِيَعَادِ عَدُوَّهُ وَلِيَأْتِمَّ بِالْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ... حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ حِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ»؛ (۲۲) هر کس دوست دارد که به کشتی نجات سوار شود... پس باید بعد از من علی را دوست بدارد و دشمنان او را دشمن بدارد و بعضی از هادیان از فرزندان او را به امامت بپذیرد... حزب آنها حزب من و حزب من، حزب الله - عزوجل - و حزب دشمنان آنها حزب الشیطان خواهد بود.

حدیث ۲: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّبَاعَةِ يَا مُحَمَّدُ... فَأِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْدًا وَ حَبِيبًا وَ رَسُولًا وَ نَبِيًّا وَ بِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَ أَبَا فَهْوٍ حُجَّتِي عَلَيَّ عِبَادِي وَ إِمَامًا لِيَخْلُقِي بِهِ يَعْرِفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي وَ بِهِ يَمِيزُ حِزْبَ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي»؛ (۲۳) زمانی که من به آسمان هفتم عروج داده شدم، خداوند به من خطاب کرد که یا محمد... همانا من راضی شدم به اینکه تو بنده و دوست و رسول و نبی من باشی و برادر تو علی جانشین و باب تو باشد. پس علی حجت من بر بندگانم و امام مخلوقاتم خواهد بود؛ به واسطه او دوستانم از دشمنانم شناخته می‌شوند و به واسطه او حزب الشیطان از حزب من مشخص می‌شود.

حدیث ۳: (عن) عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... عَلَيْكُمْ بِالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ عَزْوَتِهِ وَ كُونُوا مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ...»؛ (۲۴) (ای مردم) به ریسمان خداوند چنگ زنید و از حزب خدا و رسول او باشید. «و لا تَكُونُوا فِي حِزْبِ الشَّيْطَانِ فَتَضَلُّوا...»؛ (۲۵) از حزب شیطان نباشید که گمراه خواهید شد.

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ»؛

۳. دوستی نکردن با دشمنان خدا و رسول خدا (يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»؛

۴. دوری کردن از دوستی‌ها و تعصبات عشیره‌ای و قومی ﴿وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِسْرَائِيلَهُمْ﴾؛

۵. بهره‌مندی از تأیید الهی ﴿وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾؛

۶. بهره‌مندی از زندگانی جاودان بهشتی ﴿وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ...﴾؛

۷. رضایت متقابل عبد و معبود ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾؛

۸. رسیدن به فلاح و رستگاری ﴿هُمْ الْمُفْلِحُونَ﴾؛

۹. پذیرش ولایت خدا، رسول خدا، امامان معصوم و

ولایت فقیه ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾؛

۱۰. غلبه نهایی بر احزاب شیطانی (هُمْ الْعَالِيُونَ) ﴿

«حزب الشیطان» که در آیات ۱۹ سوره «مجادله» و ۶

«فاطر» ذکر شده است، دارای اوصاف نقطه مقابل حزب الله می‌باشد.

واژه حزب به صورت تشبیه تنها در آیه ۱۲ «کهف» به کار رفته است که مراد از «دو حزب» دو طایفه از اصحاب کهف است که (پس از بیداری، در مورد مقدار زمان خوابشان) با هم اختلاف کردند. (۱۹) از این رو، محل بحث ما نیست. واژه «احزاب» به صورت جمع ۱۱ بار در قرآن ذکر شده است. (۲۰) در تحلیل آیات یادشده می‌توان گفت: آیاتی که در آن واژه حزب به صورت جمع به کار رفته است، ناظر به کفر، انکار حق، و ایستادگی در مقابل دین اسلام می‌باشد. در عین آنکه هر حزبی دارای اشتراک پیونددهنده افراد خود بوده و از حزب دیگر متمایز می‌باشد، اما منفعت بزرگی همچون معارضه با اسلام، موجب وحدت نسبی آنها شد. برخی از آیات یادشده بر تجمع‌های عرب یهودی اشاره دارد که در جنگ خندق در

یاری مردم تلاش می‌کند قدرت دولتی را به دست گیرند و یا در قدرت دولتی شریک گردند. (۳۲)

در «قانون فعالیت احزاب ایران» نیز آمده است: حزب نهاد و سازمانی منظم در درون یک نظام سیاسی است که از اشخاص حقیقی که دارای یک هدف و آرمان خاصی هستند تشکیل شده و دارای اساسنامه و مرامنامه خاصی است و در سایه رعایت و پیروی از اصول قانون اساسی در پی فتح قدرت عمومی است. (۳۳)

ارزیابی تعاریف از منظر اسلامی

با نفوذ و گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی و بالتبع مفهوم حزب غربی در کشورهای اسلامی، سؤالاتی در محافل علمی مطرح شد؛ از جمله: آیا حزب به مفهوم غربی دارای ارزشی جهان‌شمول و صرفاً در قالب همان اصول و مبانی مدرنیته غربی قابل تصور است و لازمه توسعه ملت‌ها، بخصوص جامعه اسلامی، پذیرش بی‌چون و چرای آن می‌باشد؟ اساساً حزب در اندیشه سیاسی اسلام از چه جایگاهی برخوردار است؟

اندیشمندان غربی تلاش کرده‌اند تا حزب را مختص تمدن مدرن غرب و دارای خاستگاهی غربی معرفی کنند. آنها بامبنتی کردن حزب بر مبانی منشعب از فرهنگ لیبرال دموکراسی، از جمله سکولاریسم، اومانیزم، پلورالیسم و... تصور حزب را فارغ از مبانی غربی آن امری مردود و غیرقابل پذیرش می‌شمارند.

برخی از اندیشمندان سیاسی مسلمان نیز با پذیرش ادعای غربی‌ها، حزب را زائیده فرهنگ مدرنیسم غربی دانسته، وجود حزب در جامعه اسلامی را بکلی مردود می‌شمارند. اما با تأمل در آنچه راجع به خاستگاه و قدمت کهن و تاریخی حزب مطرح شد، بطلان این دیدگاه بر مخاطب روشن می‌شود. توضیح آنکه نمی‌توان حزب

حدیث ۴: «کل حزب منهم أخذ بغصن... ای لتفرقهیم عن أئمة الحق صاروا شعبا شتی»؛ (۲۶) هر حزبی از آنها شاخه‌ای (از حقیقت) را اخذ کرده است... یعنی به خاطر جدایی از امامان حق، آنها به فرقه‌های مختلف تقسیم شدند.

با تأملی گذرا در این نمونه از آیات و روایات، روشن می‌شود که واژه «حزب» در ادبیات اسلامی نیز به همان اصطلاح عامی که پیش‌تر بیان شد، مورد کاربرد بوده است.

حزب در اصطلاح نوین غربی

گفته می‌شود: نخستین بار ادموند برک درباره احزاب سخن گفته است. این امر پس از آن بود که با تحولات ناشی از رنسانس، حاکمیت از آن مردم دانسته می‌شد. (۲۷)

در اصطلاح دوروزه، حزب عبارت است از: «مجموعه‌ای از گروه‌های پراکنده در اطراف کشور که از طریق سازمان‌های هماهنگ‌کننده به هم پیوسته‌اند». (۲۸)

او در بیانی دیگر می‌افزاید: حزب سیاسی گردهمایی مردمانی است که از دکتترین یکسان پیروی می‌کنند. (۲۹)

دیوید رابرتسون می‌گوید: حزب گروهی سازمان‌یافته از کسانی است که دیدگاهی مشترک دارند و درصدد دست‌یابی به قدرت سیاسی هستند. (۳۰)

جیل کریست، حزب سیاسی را گروه سازمان‌یافته شهروندانی معرفی می‌کند که دارای نظریات سیاسی مشترک بوده و به مثابه یک واحد سیاسی، با عمل خود می‌کوشند بر حکومت تسلط یابند. هدف اصلی احزاب این است که عقاید و سیاست‌های خود را در سطح سیاسی رواج دهند. (۳۱)

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است: حزب عبارت است از گروهی از مردم که آرمان‌های مشترک و منافع خاصشان آنها را از گروه بزرگ‌تر که جامعه ملی است متمایز می‌سازد و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و

خاستگاه شکل‌گیری احزاب

در مجموع، می‌توان نسبت به خاستگاه حزب در غرب، از چندین رویکرد عام و نسبتاً مشهور یاد کرد:

۱. رویکرد نهادی (ساختارگرایان): موريس دوورژه حزب را مولود پارلمان‌تاریسم برمی‌شمرد: «احزاب سیاسی هم‌زمان با آیین‌های انتخاباتی و پارلمانی به وجود آمده‌اند و توسعه آنها توأمان صورت گرفته است.»^(۳۴) در نزد ساختارگرایان، سازمان حزبی، در درجه اول اهمیت قرار دارد و مهم‌ترین بعد حزب را تشکیل می‌دهد و مبنای تعریف، دسته‌بندی و تبیین حزب می‌باشد.
 ۲. رویکرد کارکردگرایان: آنها نقش و کارویژه‌های احزاب را مهم‌ترین متغیر (در خاستگاه) توضیح و فصل‌بندی کرده‌اند. فرانک جی سروف در کتاب **نظام حزبی آمریکا** وظایف احزاب را در فعالیت‌های انتخاباتی محدود می‌نماید.^(۳۵)
 ۳. رویکرد جامعه‌شناختی و تاریخی: جامعه‌شناسان، همچون مارکس، ریشه احزاب را در شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی و طبقاتی جست‌وجو می‌کنند. آنها گسست را نخستین مرحله برای شکل‌گیری حزب می‌دانند.^(۳۶)
 ۴. رویکرد بحران: این رویکرد، از توالی پنج نوع بحران (هویت، مشارکت، مشروعیت، توزیع منابع و دخالت دولت) و نحوه مواجهه با آن، به عنوان خاستگاه احزاب سخن می‌گوید.
 ۵. رویکرد نوسازی: این رویکرد، شکل‌گیری احزاب سیاسی را با توسعه و نوسازی مرتبط دانسته و معتقد است که احزاب سیاسی تنها زمانی زمینه تحقق پیدا می‌کنند که اقداماتی در جهت نوسازی به عمل آورند.^(۳۷) روند دنیوی‌گرایی و حذف نهادهای کلیسایی موجب خلأهایی گشت که حزب در جهت پرکردن آن خلأها مطرح گردید.^(۳۸)
- دان کیوپیت، دین‌شناس معاصر انگلیسی، بر این باور

سیاسی را دارای خاستگاهی غربی دانست؛ چراکه حزب به مفهوم عام آن، در هر جامعه‌ای می‌تواند وجود داشته باشد. از این رو، حزب را باید به گونه‌ای تعریف کرد که شامل حزب به مفهوم عام و جهان‌شمول آن نیز باشد.

پس در تعریف «حزب» می‌گوییم: «حزب به گروهی منسجم از انسان‌ها اطلاق می‌شود که دارای تشکل سیاسی و سازمان‌یافته، و اصول، مبانی و آرمان‌های مشترک هستند و درصدد دستیابی به اهداف تعیین شده از طریق کسب قدرت یا کنترل حکومت می‌باشند که در نتیجه آن، سیاست‌های مطلوب خود را در قالب تصمیم‌سازی‌ها و سطوح سیاسی جامعه اعمال و تعقیب می‌نمایند.»

حزب به این معنای عام، در فرهنگ و ادبیات اسلامی وجود داشته و مفاهیم و مصادیق قرآنی و روایی نیز دارد - که بیان آن گذشت - بلکه قدمت حزب در اسلام، بسیار بیشتر از حزب در غرب می‌باشد.

در زمان حکومت اسلامی پیامبر ﷺ می‌توان از دسته‌بندی‌های موجود تعبیر به «حزب» کرد؛ مانند: «حزب انصار»، «حزب مهاجرین»، «حزب قریش»، «حزب یهود»، و قبایل دیگری که مطرح بودند. از این رو، جنگی که برآمده از ائتلاف قریش با یهود و دیگر قبایل دشمن بر ضد اسلام شکل گرفت، به «جنگ احزاب» شهرت یافت. در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می‌توان از احزابی همچون «ناکثین»، «قاسطین» و «مارقین» نام برد.

البته فارغ از مفهوم عام و عناصر مشترک همه احزاب، هر حزبی در هر جامعه‌ای بر اساس اختلاف فرهنگ‌ها دارای آرمان‌ها، مبانی، اهداف و نگرش‌های متفاوتی خواهد بود. حزب اسلامی به معنای واقعی (حزب‌الله) نیز متناسب با فرهنگ اسلامی، ویژگی‌ها و آرمان‌ها، مبانی و نگرش خاصی نسبت به قدرت دارد که این نقطه می‌تواند محور اختلافات اساسی و جوهری بین حزب به مفهوم اسلامی آن با حزب به مفهوم نوین غربی آن باشد.

لیبرالیسم و فرهنگ غربی ایجاد شد و رشد و توسعه پیدا کرده، اصول و مبانی ویژه خود را دارد که در ذیل، به آنها اشاره می‌شود:

۱. سکولاریسم: نفی حاکمیت و محوریت دین در عرصه سیاسی و اجتماعی و قانون‌گذاری؛
۲. اومانیزم: انسان‌محوری به جای خدا‌محوری؛
۳. آزادی و فردگرایی؛
۴. پلورالیسم و تکتگرایی دینی و سیاسی و فرهنگی و...؛
۵. نسبی‌گرایی مطلق و شکاکیت در حوزه ارزش‌ها و اخلاق؛
۶. عقلانیت ابزاری و رفتار سودانگارانه.

شاخص‌های حزب

برخی نویسندگان، محورهای ذیل را از شاخص‌های حزب برشمرده‌اند: رقابت بر سر قدرت و کنترل حکومت، سازمان‌دهی توده‌ها در قالب یک تشکل سیاسی و سازمان مرکزی و واحدهای محلی، اهداف و آرمان‌های سیاسی و تلاش برای جلب حمایت عمومی.^(۴۰) البته حزب به مفهوم نوین غربی دغدغه نیل به قدرت و حفظ و گسترش آن را به عنوان هدف غایی و اصیل پیگیری می‌کند که به لحاظ تئوریک ریشه در فلسفه سیاسی معاصر غرب دارد و می‌توان اندیشه‌های ماکیاولی، هابز و نیچه را در تبارشناسی آن برشمرد. مکتب اصالت قدرت نیز که در روابط بین‌الملل مورد توجه است، در این چارچوب قرار می‌گیرد.

تحلیل و بررسی: مبتنی بودن حزب در غرب بر مبانی مذکور به این معنا نخواهد بود که پذیرش آن بدون مبانی غربی در جامعه اسلامی غیرممکن باشد. اگرچه غالب مبانی فرهنگ غرب با مبانی اسلامی در تضاد می‌باشند و در جای خود از سوی اندیشمندان اسلامی به چالش

است که در جهان پیش از رنسانس، روابط افراد بر پایه کلیسا و آیین مسیحیت تعریف می‌شد، اما با رنسانس و فروپاشی ساختار کلیسایی، ضرورت بازتعریف روابط اجتماعی بر پایه فرهنگ مدرنیته امری گریزناپذیر بود. در این زمینه، حزب، به عنوان سازوکاری در جهت برقراری ارتباط میان افراد معرفی گردید.^(۳۹)

تحلیل و بررسی: اولاً، هریک از رویکردهای مزبور تنها بر یک جنبه از خاستگاه احزاب توجه کرده و آن را برجسته نموده‌اند و از دیگر جنبه‌های آن غافل شده‌اند. به نظر می‌رسد می‌توان با تلفیقی از این رویکردها و انگاره‌ها، به خاستگاه جامع و عامی برای تمامی احزاب دست یافت. هر تشکل اجتماعی دارای سه عنصر ساختار، کارویژه و اهداف است که همگی می‌توانند در خاستگاه آن پدیده مؤثر باشند.

ثانیاً، بیان شد که خاستگاه حزب به مفهوم عام را باید با یک نگاه تاریخی از بدو تشکیل اولین جوامع جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد منشأ و خاستگاه احزاب وجود نزاع‌ها، تضادها و گسست‌ها بین مجموعه افراد یک جامعه به خاطر دیدگاه‌های مختلف بوده است. این شاخص را می‌توان به عنوان خاستگاه احزاب در جامعه اسلامی نیز عنوان کرد. بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شکل‌گیری «حزب‌الله» (مهاجرین و انصار)، گروه‌هایی مانند قریش، یهود، پادشاهان ایران و روم که منافع خود را در خطر می‌دیدند و نظام سیاسی اسلام و حزب‌الله را عامل رکود و یا تباهی قدرت فاسد خود قلمداد می‌کردند، اقدام به مقابله با حزب‌الله نمودند. قرآن و روایات از آنها به عنوان «حزب‌الشیطان» یاد می‌کند.

مبانی حزب به مفهوم غربی

با توجه به اینکه حزب به مفهوم غربی آن در بستر

کشیده شده است، اما این امر مانع اشتراک مفهومی حزب در فرهنگ اسلامی و غربی نخواهد بود. همچنین شاخص‌های رقابت، سازمان‌دهی و کارویژه‌ها برای تحقق آرمان‌ها را - فارغ از مبانی غربی آن - می‌توان از شاخص‌های حزب به مفهوم عام آن دانست، بجز شاخص اصالت قدرت که در اندیشه سیاسی اسلامی مردود است؛ چراکه قدرت ابزاری در جهت رسیدن به کمال و سعادت نهایی است نه هدف غایی.

پدیده‌های نوین و دو نگرش کلی فقهی و اجتهادی

در این بخش از نوشتار، پیش از اینکه به بحث جایگاه احزاب در اندیشه سیاسی اسلامی بپردازیم، به یک سؤال کلی پاسخ می‌دهیم و آن این است که مواضع دینی را مقابل پدیده‌های جدید همانند احزاب سیاسی، چگونه و با استفاده از چه نگرش و رویکردی می‌توان استخراج و استنباط کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت: دو رهیافت اساسی اجتهادی و فقهی در برابر پژوهشگران دینی قرار دارد:

۱. پژوهشگر با طرح موضوعات و استخراج سؤال‌های اصلی و فرعی، سراغ منابع دینی و فقهی می‌رود و با استفاده از چهار منبع اصلی فقه شیعه، دیدگاه دین را در قبال موضوعات به دست می‌آورد. عده‌ای با اتخاذ این رویکرد، معتقد به نظریه «اصالة النص» و یا «اصالة الحظر» هستند. نص‌گرایان به لزوم نص خاص در موضوعات و مسائل مورد نظر معتقدند و در صورت نبود نص خاص، به ممنوعیت موضوعات و مسائل جدید اعتقاد دارند.^(۴۱) این رهیافت در بیشتر موارد (مربوط به مسائل مستحدثه) با مشکلات جدی مواجه است. در این روش، پژوهشگر اسلامی در تنگنا قرار می‌گیرد؛ زیرا در این رهیافت که می‌توان آن را به اصالة النص شناسایی کرد، تحقیق در متون دینی و متون فقهی متمرکز می‌گردد و

موضوعات جدید از دایره مباحث فقهی و کلامی خارج می‌شود و دست‌یابی به نصوص هم ممکن نخواهد بود.^(۴۲) بنابراین، اندیشه نص‌گرایی با انسداد فکری و بن‌بست پاسخ‌گویی مواجه است و چون در پاسخ به مسائل جدید و عصری به بن‌بست کامل می‌رسد، به رشد سریع دین‌گریزی و انزوای دین و شریعت از صحنه اجتماع کمک کند؛ زیرا به طور مسلم و یقینی برای پدیده‌های جدید نص خاص نداریم و در زمان معصومان پدیده‌های جدید وجود نداشته‌اند.^(۴۳) در نتیجه با این رویکرد، به سامان رساندن پژوهش در موضوع مبانی فقهی احزاب کاری دشوار است.

۲. در مقابل اندیشه اصالة النص، دیدگاه عدم الحظر و المنع یا به عبارت دیگر، اصالة الاباحه قرار دارد. این رویکرد در مواجهه با پدیده‌های جدید، عدم الحظر را مورد توجه قرار می‌دهد و آن را کافی در جواز می‌داند. در این رویکرد، اگر پژوهشگر به نص خاصی دست نیافت به سراغ نصوص عام و قواعد کلی می‌رود و در نهایت، به پاسخ منفی یا مثبت می‌رسد. با این نگرش، می‌توان مبانی حزب را استخراج کرد و موضع دین را مشخص نمود. از سوی دیگر، دو دیدگاه کلی فقهی در زمینه مطالعه حزب در فقه شیعه مطرح است:

الف. دیدگاه قائل به انسداد که معتقدند: هر نوع تلاش برای تبیین فقهی حزب با انسداد مواجه است.
ب. دیدگاه قائل به انفتاح که معتقدند: با توجه به کامل بودن دین اسلام، و ظرفیت عظیم فقه و اجتهاد، می‌توان نسبت دین با مقوله‌های جدید را با رجوع به منابع دینی یا از طریق اصالة النص یا دیدگاه عدم الحظر و المنع به دست آورد و به نتیجه جواز یا عدم جواز در این زمینه دست یافت که البته تقریرها و تبیین‌های متفاوتی از سوی قائلان، در موضوع حزب ارائه شده است.

رویکردها و رهیافتهای در مطالعه حزب در اندیشه سیاسی اسلامی

الف. دیدگاه قائل به انسداد (رویکرد همگام با سکولاریسم و نفی حزب در اسلام)

این دیدگاه به دلیل واگذاری امور متغیر به حوزه سیاست و عدم توجه به ساحت‌های متغیر دین، بستر مناسبی برای همراهی و همگامی با سکولاریسم است.

این طیف از صاحب‌نظران، مدعی گسست میان سنت و مدرنیته می‌باشند. آنان بر این عقیده‌اند که مقوله‌هایی همچون حزب و دیگر مفاهیم مشابه، ناشی از مدرنیته بوده و با سنت و ادیان بیگانه‌اند. در این زمینه، مدعی‌اند: دین در برابر مفاهیم جدید ساکت بوده و یا به فرض اگر بخواهد در این باره اظهار نظر کند، نگاه و متدلوژی سنتی فقها ناکارآمد است و باید با رویکردی نوین به دین، به تبیین آنها همت گماشت. (۴۴)

در عصر پیامبر ﷺ در جامعه حجاز نه نظام سیاسی دموکراتیک بر مبنای حق حاکمیت ملت و آزادی و مساوات تمام انسان‌ها در حقوق سیاسی و اجتماعی وجود داشته است و نه نظام چندحزبی؛ بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که در کتاب و سنت مبنایی برای حزب - به معنای گفته شده - وجود داشته باشد... دموکراسی بر تجدید دایمی مشروعیت رهبر سیاسی از طرف ملت در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی کاملاً آزاد... و حزب‌های سیاسی در جامعه استوار است. (۴۵)

تحلیل و بررسی:

الف. نگرش مزبور نظام دینی را با نظام دموکراتیک مغایر و احياناً متضاد می‌داند، در حالی که این پرسش مطرح است که منظور از نظام دموکراتیک چیست؟ اگر منظور نظامی است که مشروعیت خود را تنها از مردم می‌گیرد، استدلال نویسنده تمام است. اما ما معتقدیم که دموکراسی

صرفاً یک ظرف است و مکاتب، مظروف آن می‌باشند و ظرف همواره با مظروف خود شناخته می‌شود. دموکراسی بر ۳ اصل تساوی در برابر قانون، آزادی‌های نسبی مردم و مشارکت سیاسی مردم در امور سیاسی مبتنی می‌باشد. بنابراین، قرائت از دموکراسی، استدلال ناتمام خواهد بود؛ زیرا از منظر اندیشه سیاسی اسلامی، این سه اصل که محتوای دموکراسی را شکل می‌دهند، مورد پذیرش است و ما از آن به «مردم‌سالاری دینی» تعبیر می‌کنیم.

ب. نویسنده از سویی دیگر، بین حزب و نظام دموکراتیک ملازمه برقرار می‌کند، در حالی که ملازمه بین آن دو به لحاظ نظری مورد تردید جدی است. پیش‌تر اثبات شد که حزب به مفهوم عام آن جهان‌شمول بوده و اختصاص به هیچ تمدنی ندارد. از این رو، هیچ ملازمه‌ای بین نظام لیبرال دموکراسی و حزب وجود ندارد. «آنچه مورد اجماع نسبی است ممانعت نظام استبدادی از آزادی احزاب است»؛ (۴۶) چنان‌که برخی اندیشوران سیاسی آن را مهم‌ترین مانع تحزب قلمداد نموده‌اند. (۴۷) از این رو، در نظام سیاسی اسلام، که به دور از هرگونه استبداد، اساس نظام خود را بر مردمی بودن قرار داده، حزب امکان تحقق دارد.

ج. در نگرش فوق، اسلام بر منوال مسیحیت و صرفاً در رابطه انسان و خداوند خلاصه می‌شود و از این رو، اسلام فاقد نظامات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تلقی و معرفی گردیده است. آنان با مبانی معرفت‌شناختی غرب نگاهی شیء‌انگارانه به دین و مقوله‌های اسلامی داشته و بر پایه مدرنیته به توجیه و تأویل آن می‌پردازند. نویسندگانی نظیر شبستری، عبدالکریم سروش، محمد ارکون و حامد ابوزید بر پایه مبانی معرفت‌شناختی خود، رویکردی تاریخی به اسلام دارند. بر این اساس، آنها فقه جواهری و اجتهادی را که پاسخگوی مسائل در گذار

تاریخی است پذیرا نیستند... از اسلام، رویکردی سکولار عرضه شده و طبعاً اسلام فاقد نظامات و ناکارآمد در اداره جامعه تلقی شده است. در حالی که همه پیش فرض‌های نگرش فوق بر پایه مبانی اندیشه اسلامی قابل نقد و ارزیابی است.^(۴۸)

حلق افعال سیاسی به او داده، و بر اساس ملاک‌هایی که عمدتاً ناشی از حسن و قبح عقلی افعال است، انسان را مسئول اعمال و کردار سیاسی خود نموده است. اصل عدل، برخلاف جبرگرایی سیاسی، انسان را از مسئولیت تصمیمات سیاسی تبرئه نمی‌کند، بلکه با گذر از صافی امر به معروف و نهی از منکر، آحاد مؤمنان را مسئول تمام پیامدهای زندگی سیاسی خویش می‌داند.^(۵۲)

ب. دیدگاه قایل به انفتاح (مطالعه حزب در اندیشه

سیاسی اسلامی با رویکرد کلامی، فقهی و فلسفی)

«همچنین فقه سیاسی شیعه در عین حال که ولایت محور است، اما با توجه به مبنای عقلی که اساس روش‌شناسی آن را تشکیل می‌دهد، به اصل اولی آزادی و عدم تکلیف و بنابراین، عدم ولایت استوار است. نویسنده در جمع‌بندی خود از این سه اصل می‌نویسد: با توجه به اصل (عدل و آزادی و) عدم ولایت، نیز می‌توان آزادی و ضرورت احزاب را در جامعه نتیجه گرفت.»^(۵۳)

۱. رویکرد کلامی: شیعیان در عرصه کلام، به کوششی پر دامنه در آشتی بین دو اصل «امامت» و «عدل» در اصول مذهب، پرداخته، و به تعبیر امروز، نسبتی خاص بین «آزادی» و «ولایت» برقرار نمودند. کلام سیاسی شیعه دو ویژگی اساسی دارد: نخست آنکه با پیوند دین و سیاست، زندگی سیاسی را بر مبنای دین استوار می‌کند و آن‌گاه به تفسیر عقلی نصوص دینی، به منظور استخراج و استنباط احکام سیاسی می‌پردازد؛ ثانیاً، با تأسیس دو اصل اساسی در سیاست، یعنی امامت و عدل، راه میانه‌ای را در تمایز با دو گرایش افراطی معتزله و جبرگرایی سیاسی تمهید می‌کند.^(۴۹) «کلام سیاسی شیعه تعریف خاصی از آزادی سیاسی و طبعاً مرزهای فعالیت احزاب سیاسی ارائه می‌دهد. اگر آزادی، عقل‌گرایی و مسئولیت فرد در زندگی سیاسی را مهم‌ترین مبانی شکل‌گیری احزاب سیاسی تلقی کنیم، کلام و فقه شیعه... بیشترین مراتب را با مبانی فوق نشان می‌دهند.»^(۵۰)

تحلیل و بررسی:

۱. برخلاف نظر ایشان، عدل امری اعتقادی و کلامی است و پایبندی به آن نتایج سیاسی در پی دارد.
۲. خلط مهمی که نویسنده در مواضع مختلف دچار شده، مغالطه تکوین و تشریح است؛ بدان معنا که از آزادی و اختیار تکوینی، آزادی در مقام تشریح را استنتاج می‌کند، در حالی که بر اساس مبانی اعتقادی، آزادی تکوینی لزوماً آزادی تشریحی را در پی ندارد. انسان آزاد آفریده شده، اما در مقام عمل و تشریح ملتزم به باید‌ها و نبایدهایی است که شریعت فراروی وی قرار داده است که عقل سهم اندکی در فهم آنها بر پایه حسن و قبح عقلی دارد.
۳. اصل عدم ولایت هیچ ارتباطی به موضوع بحث ندارد. نویسنده برای سازگاری حزب با اندیشه اسلامی، نگاهی گزینشی دارد. وی در تبیین مقوله حزب، به اصول و مسائلی عطف توجه می‌کند که قادر به تأیید فرضیه گردد.^(۵۴)
۵. ایشان بدون پرداختن دقیق به مفهوم‌شناسی و مبانی

الف. اصل «عدل»، «عدم ولایت» و «آزادی»: برخی عدل را

اصلی سیاسی قلمداد می‌کنند: «عدل در بنیاد خود، اصلی سیاسی است که برای نقد حکومت‌های جائز و متغلب که سلطه خود را ناشی از جبر الهی تفسیر می‌کردند، تأسیس شده است.»^(۵۱) «بنا بر نظریه عدل، خداوند حکیم، انسان را در زندگی سیاسی خود آزاد گذاشته و قدرت اراده و

معرفت‌شناختی حزب - که در هر تحقیقی گریزی از آن نخواهد بود - و با نظر به نوظهور بودن آن در غرب، آن را به عنوان پدیده‌ای نوظهور در عرصه فرهنگ و جامعه شیعی قلمداد می‌کند، در حالی که با توجه به آنچه در بحث مفهوم عام و اصطلاح قرآنی حزب گذشت، چنین تصویری مردود است.

ب. اصل امامت: «اصل امامت صرفاً به منظور تأمین آزادی ملحوظ در اصل عدالت و برای پرهیز از افراط و تفریط در اعمال آزادی سیاسی توسط مؤمنان مقرر شده است. - نویسنده درباره امامت و جایگاه مردم معتقد است: البته نصب امام معصوم علیه السلام به معنای تحمیل حکومت او بر مردم نبوده و بلکه صرفاً حجتی است که در صورت تمایل و مراجعه مردم در دسترس آنان باشد و آنان عذری برای تقصیر احتمالی خود نداشته باشند.

- در عصر غیبت نیز مردم در صورت تمایل به انتخاب و یا مراجعه به شایستگان مورد نظر امام معصوم (یعنی فقها)، موجب تحقق حکومت مشروع در دوره غیبت می‌شوند، اما فقیهان هرگز نمی‌توانند مردم را به اجبار و غلبه ملزم به اطاعت از خود نمایند. در چنین شرایطی، تنها وسیله ممکن برای استمرار نظام مشروع در دوره غیبت نه زور، بلکه ابزارهای اقناعی و یا به تعبیر فارابی، جدل سیاسی است که حزب مهم‌ترین این ابزارهاست. حزب می‌تواند مطمئن‌ترین ابزار سیاسی برای توجیه سیاست‌ها، تصحیح تصمیمات و تضمین مدیریت‌ها در نظام اسلامی باشد.» (۵۵)

تحلیل و بررسی:

۱. متکلمان شیعی معتقدند که اصل امامت در راستای هدایت انسان و رشد و تعالی وی مقرر شده و مهم‌ترین کارویژه‌های امامت، تبیین احکام، رهبری سیاسی و قضاوت و داوری می‌باشد.

۲. در دیدگاه فوق، میان آزادی و توانایی تکوینی و تشریحی خلط شده است... اطاعت از امام جزء اختیارات تکوینی مردم است که می‌توانند اطاعت کنند و یا مخالفت نمایند. اما از نظر تشریحی، اطاعت از امام امری لازم و ضروری است و دیگر جایی برای اختیار آدمی نیست. در عصر غیبت نیز، از منظر فقها و از جمله امام خمینی، مراجعه مردم به فقها برای برپایی و تداوم حکومت اسلامی واجب است. (۵۶)

ج. اصل عقل (عقلانیت): مذهب شیعه، هم در کلام و هم در فقه، مذهبی عقل‌گرا و آزادمنش است. با تکیه بر حسن و قبح عقلی افعال سیاسی که مصلحت و مفسده آنها با ملاک مطابقت با آرای عقلای جامعه سنجیده می‌شود، به تصحیح آرای اجتهادی رهبران پرداخته و آنان را به تبعیت از رأی جمیع عقلای جامعه ملزم می‌کند. حزب سیاسی سازوکار چنین فرایندی را فراهم می‌کند. فقه سیاسی شیعه در عین حال که ولایت محور است، اما با توجه به مبنای عقلی که اساس روش‌شناسی آن را تشکیل می‌دهد، به اصل اولی آزادی و عدم تکلیف و بنابراین، عدم ولایت استوار است. عقل یکی از منابع استنباط احکام به شمار می‌رود. (۵۷)

تحلیل و بررسی:

الف. عقل قدرت درک همه مصالح و مفاصل را ندارد و برای تبیین مسائل باید از سایر منابع مدد جست.

ب. نویسنده نه از عقل (که از مبانی حزب به شمار می‌رود) تعریفی ارائه می‌کند و نه از آزادمنشی فقه و کلام شیعی. در فرهنگ اسلامی نیز بر پایه حوزه‌های گوناگون بحث نظیر کلام، فلسفه، فقه و روایات تعریف‌های گوناگونی عرضه گردیده است. به نظر می‌رسد برای دوری از هرگونه خلط مباحث، تعریف واژگان امری ضروری باشد. (۵۸)

در نهایت، وی با اثبات نگرش مثبت اسلام به ۴ مؤلفه حزب، براساس اصول فقهی و سیاسی پذیرفته شده در اسلام، مانند اصل خطای در اجتهاد، امر به معروف و نهی از منکر، شورا، رضایت و بیعت، النصیحة لامام المسلمین و آزادی انتقاد، اصل نظارت، تعاون و... وجود احزاب در جامعه اسلامی را مشروع و مثبت ارزیابی می‌کند.

۳. رویکرد فقهی:

الف. تبیین تحزب در گفتمان درون دینی و بی‌توجهی به مفهوم معاصر آن: برخی با تمرکز بر وجود واژه‌های «حزب، فئه، فرقه» و امثال آن در منابع اسلامی، وجود این واژگان را دلیلی بر وجود چنین مفاهیم و گروه‌هایی در جامعه اسلامی دانسته، به تبیین حزب بر اساس اصول و آیات قرآنی پرداخته‌اند. در این دیدگاه، امکان صدق مفهوم «حزب‌الله» بر همه احزاب سالم انسانی و ملی که آرمان‌های اصلاح‌گرایانه و خیرخواهانه دارند مثبت ارزیابی شده است.

احمدحسین یعقوب در تبیین حزب در اسلام، نخست آیاتی را که دربردارنده واژه حزب هست یادآوری می‌کند. وی پس از تبیین مفهومی آیات یادشده، به تمایز «حزب‌الله» و «حزب‌الشیطان» اشاره می‌کند. نویسنده بدون اشاره به اصطلاح «حزب» در جهان معاصر، با بررسی معنا و مفهوم حزب در ادبیات دینی و قرآنی و اشاره به این مطلب که در اسلام حزب وجود دارد، شاخص‌های حزب را بر اساس آیات قرآن بیان می‌کند.^(۶۰)

برخی نیز معتقدند: برای تبیین حزب می‌توان به دلایل و شاخصه‌هایی در قرآن اشاره کرد؛ شاخصه‌هایی نظیر:

۱. وفای به عهد: ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مانده: ۱)؛

۲. همیاری و تعاون در جهت تحقق ارزش‌های الهی:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مانده: ۲)

برای فعالیت احزاب سیاسی نیز می‌توان شرایطی را

۲. رویکرد فلسفی (نگرش مثبت به مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، انتخابات، تکثرگرایی): عبدالقیوم سجادی با غیرمفروض انگاشتن مفروضات و بسترهای سیاسی حزب به مفهوم غربی آن، چهار مؤلفه را از مؤلفه‌های اصلی و اساسی حزب دانسته و سپس به تبیین نسبت اسلام و فقه اسلامی شیعه با هریک از این مؤلفه‌ها و شاخص‌سازی می‌پردازد.

او می‌گوید: تعاریف مختلفی برای حزب ارائه شده است که از مجموع این تعاریف می‌توان چهار عنصر اصلی زیر را به عنوان مؤلفه‌های مقوم احزاب سیاسی مطرح کرد: ۱. تکثرگرایی و پلورالیسم سیاسی یا پذیرش فعالیت‌های حزبی؛ ۲. رقابت سیاسی یا تلاش برای دستیابی به مناصب دولتی و کرسی‌ها؛ ۳. مشارکت سیاسی یا تلاش برای اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی؛ ۴. انتخابات و حق رأی یا تلاش برای دستیابی به رأی بیشتر.

به نظر وی، کثرت‌گرایی محدود اعتقادی و اجتهاد تخطئه‌پذیر، از مبانی‌ای هستند که امکان پیدایش سطحی از تکثرگرایی سیاسی و احزاب را در جامعه اسلامی فراهم می‌کنند؛ بنابراین، اصل خطا در اجتهاد، استنباط سیاسی افراد و دست‌اندرکاران مسائل سیاسی را نیز در معرض خطاپذیری، نقد و انتقاد قرار می‌دهد و همین امر، به پذیرش درجه‌ای از تکثرگرایی سیاسی در فرهنگ سیاسی اسلام (حداقل اندیشه شیعه) اشاره دارد. تعدد و تکثر مطلق وجود ندارد و همان‌گونه که تکثر مطلق در قلمرو دین‌شناسی و اخلاق به نفی حقیقت می‌انجامد، تکثرگرایی مطلق در حوزه سیاست نیز به نفی هرگونه مدیریت سیاسی که مستلزم حداقلی از اجماع و توافق است، می‌انجامد. از این رو، میزان و حدود تکثرگرایی بسته به فرهنگ هر جامعه متفاوت خواهد بود.^(۵۹)

برشمرد؛ از جمله:

۱. اطاعت از رهبران حزبی در چارچوب اسلام: «لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق»؛^(۶۱)

۲. پایبندی به باورها، احکام و آموزه‌های دین اسلام: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران: ۱۹)؛

۳. انسجام و هماهنگی احزاب اسلامی در درون جامعه و مقابله با جریان‌های انحرافی؛

۴. تلاش در حوزه کارآمدی جامعه و حکومت اسلامی و اعتقاد به حاکمیت و مشروعیت الهی؛

۵. نظارت مستمر احزاب بر تحقق احکام اسلامی در جامعه و پرهیز از مناقشه‌های تضعیف‌کننده نظام؛

۶. جبهه‌بندی در مقابل جریان‌های الحادی و غیراسلامی.^(۶۲)

نویسنده در تعریف حزب می‌نویسد: «حزب در اندیشه اسلامی به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که دارای انسجام و تشکل بوده و در راستای تأمین مصالح مادی و معنوی تلاش می‌کنند.»^(۶۳)

تحلیل و بررسی:

۱. حزب درون دینی را باید به گونه‌ای تعریف کرد که هم بر حزب‌الله صدق کند و هم بر حزب‌الشیطان. در حالی که تعریف ایشان فقط حزب‌الله را شامل می‌شد و حتی از حیث درون دینی و اندیشه اسلامی نیز تعریف کاملی نیست؛ چون حزب‌الشیطان در این تعریف نمی‌گنجد.

۲. تمایز اسلام و غرب در مبانی معرفتی و ارزشی و نگاه ابرارگرایانه اسلام به قدرت و حکومت، برخلاف رویکردهای غربی، مانع اشتراک مفهومی این واژه در فرهنگ اسلامی و غربی نخواهد شد و تقسیم قرآنی حزب برخلاف نظر ایشان، صرفاً با ملاک اعتقادی صورت نگرفته است.

۳. به طور کلی، در بررسی مفهوم نوین حزب با

رویکرد فقهی، نمی‌توان با استدلال صرف به ظاهر آیات قرآنی، رد یا اثبات نظریه‌ای را نتیجه گرفت. در تبیین مفاهیم جدید، خلط بین مفهوم قدیم و جدید یک واژه پذیرفتنی نیست؛ زیرا با عدم تفکیک صحیح، ممکن است به اشتباه موضوعی تأیید یا رد گردد.

چنین رویکردی در تجویز حزب، ناشی از عوامل گوناگون و از جمله ساده‌اندیشی و بی‌توجهی به مفهوم امروزی آن در ادبیات سیاسی است. طبعاً آنها درصد بررسی آیات قرآنی بدون توجه به حزب معاصر می‌باشند. از این رو، تبیین دقیق مفهوم و جایگاه حزب در اسلام، منوط به تعریفی روشن از حزب و شاخصه‌هایی است که عالمان علوم اجتماعی در عصر کنونی ذکر کرده‌اند.

ب. اصل اجتهاد و خطاپذیری در آن: اصل خطاپذیری در

اجتهاد، یکی از اصول بنیادین فقه شیعی است که تمامی فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند. اصل خطاپذیری، هرگونه جزم‌نگری در احکام شرعی را با انسداد روبه‌رو نموده، به انفتاح باب اجتهاد می‌انجامد. این امر، کلیه اجتهادات فقهی را در معرض نقد و انتقاد عالمانه قرار می‌دهد و موجب شکوفایی بیشتر اجتهادهای فقهی می‌شود.

اگر عنصر اجتهاد در فقه اسلامی و انفتاح باب اجتهاد به مفهوم احترام به آراء و دیدگاه‌های افراد در فهم و استنباط مسائل شرعی و فروع شریعت مورد پذیرش قرار گیرد، پذیرش تعدد آراء در زمینه امور عرفی و مسائل حکومتی، به دلیل ماهیت عرفی آنها، از زمینه‌های مناسب‌تری برخوردار خواهد شد. بنابراین، اصل خطا در اجتهاد، استنباط سیاسی افراد و دست‌اندرکاران مسائل سیاسی را نیز در معرض خطاپذیری، نقد و انتقاد قرار می‌دهد و همین امر، به پذیرش درجه‌ای از تکثرگرایی سیاسی در فرهنگ سیاسی اسلام (حداقل اندیشه شیعه) اشاره دارد. فقه اسلامی در تعیین موضوعات عرفی و

کند، درست است و به همین معنا می‌توان گفت که فقه پیرو است، نه پیشرو. اما نباید از این سخن بلافاصله نتیجه گرفت که حوزه‌موضوعات کلاً به دست عرف سپرده شده است. ۳. این استدلال نیز که «چون مذاهب فقهی و استنباط‌های فقهی متعدد است، ناگزیر تعدد و تکثر در احزاب سیاسی مورد پذیرش قرار می‌گیرد» مغالطه‌آمیز است، و حداکثر یک قیاس نادرست می‌نماید. تکثر در استنباط‌های فقهی نمی‌تواند مبنای پذیرش تکثر در احزاب سیاسی باشد و باید برای آن مبنای دیگری یافت. (۶۸)

ج. وجوب احزاب از باب مقدمه واجب:

۱) مقدمه اجرای اصل ولایت فقیه: وجود احزاب سیاسی می‌تواند چونان مقدمه‌ای برای تحقق بسیاری از واجبات اسلامی لازم و ضرور باشد. در نظریه ولایت فقیه، دو ویژگی اساسی نهفته است که خواه در نظریه نصب یا انتخاب، میدان وسیعی را برای فعالیت‌های عرفی و عقلایی، و به منظور تمهید مقدمات استقرار فقیه حاکم تدارک می‌نماید. نخست اینکه، در این نظریه، فقیه حاکم هرگز تعیین شخصی ندارد، بلکه بر وصف عنوانی «فقیه» یا «فقیه جامع‌الشرایط» اکتفا شده است. دوم اینکه، فقیهان مورد اشاره در این نظریه، عملاً تعدد و تکثر دارند و بالقوه در تصدی منصب ولایت، رقابت خواهند بود. احزاب سیاسی، به عنوان مقدمه واجب، در شناسایی و معرفی مواضع نظری و سیاسی فقیهان موضوع این نظریه از یک‌سو، و نیز بسیج مردم برای شرکت در انتخابات و تعیین و تشخیص مستقیم یا غیرمستقیم فقیه حاکم از سوی دیگر، کارکردهای مهمی را می‌توانند به عهده بگیرند. (۶۹)

۲) مقدمه اصل امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی واجب است، و احزاب مقدمه‌ای برای آن می‌باشند. مقدمه واجب هم واجب است. نتیجه این صغرا و کبیرا، وجود تشکیل احزاب در جامعه اسلامی است. (۷۰)

مسائل زندگی، پیرو است، نه پیشرو. (۶۴)

حال که تکثرگرایی و تعدد در مذاهب فقهی در عین وحدت شریعت اسلامی پذیرفته می‌شود و بر اساس آن، اجتهادهای متعدد در فروع صورت می‌گیرد، در امور عرفی، بخصوص مسائل سیاسی نیز که بر معیار مصالح و مفاسد استوار می‌باشد و اجتهادهای فقهی مجالی وسیع دارد، همچنان که مذاهب فقهی و استنباط‌های فقهی، متعدد است، ناگزیر باید تعدد و تکثر در احزاب سیاسی مورد پذیرش قرار گیرد. (۶۵)

از سوی دیگر، اندیشه خطاپذیری فقیه موجب می‌شود به اجتهادات فقهی او در قبال مسائل اجتماعی، از جمله تصمیمات سیاسی، با دیده شک و تردید نگریسته شود و همین امر باعث می‌شود تا فقه سیاسی شیعه، برخلاف اهل سنت، هرگز به اطاعت مطلق از حاکم مشروع تمایل نشان ندهد، بلکه با تکیه بر حسن و قبح عقلی افعال سیاسی که مصلحت و مفسده نوعی آنها با ملاک مطابقت با آرای عقلای جامعه شناخته می‌شود، به تصحیح آرای اجتهادی رهبران پرداخته و آنان را به تبعیت از رأی جمیع عقلای جامعه ملزم نماید. حزب سیاسی سازوکار چنین فرایندی را فراهم می‌کند. (۶۶)

تحلیل و بررسی:

۱. بعضی با توجه به احتمال خطای مجتهد و حاکم اسلامی، به اشتباه حزب و مرجعیت حزبی را جایگزین «مرجعیت دینی» می‌کنند و به این ترتیب، خواسته یا ناخواسته به ترجیح حاکمیت حزب و دموکراسی و طرد حاکمیت دینی تن می‌دهند. (۶۷)

۲. بی‌تردید، خواست و اراده مردم نقشی جدی در نظام سیاسی خواهد داشت. اما مطلق کردن این خواست نادرست است این مطلب که فقیه در مقام فتوا دادن، باید ابتدا به موضوع بنگرد، سپس حکم آن را از منابع استخراج

تحلیل و بررسی:

«خیرات» جای می‌گیرد و نه تنها محدودیت و محدودیت و محدودیت شرعی ندارد، بلکه مورد تشویق اسلام قرار گرفته است. احزاب سیاسی نیز به دلیل کارکردهای مثبتی که دارند، یکی از موارد خیرات هستند و هیچ منعی برای راه‌اندازی آنها وجود ندارد.

و. تبیین حزب با توجه به کارکردهای مثبت احزاب: موارد زیر می‌توانند از جمله کارکردهای مثبت حزب به شمار آیند:

۱. سازمان‌دهی نیروهای متخصص و کارآمد در عرصه‌های گوناگون؛

۲. نزدیک کردن افکار مشابه؛

۳. آموزش سیاسی و بالا بردن سطح آگاهی‌ها؛

۴. جلوگیری از استبداد سیاسی؛

۵. نقد حکومت و نظارت بر آن؛

۶. انتقاد سالم و پیشنهاد مناسب به دولت در جهت اصلاح برنامه‌های آن؛

۷. فراهم آوردن زمینه مشارکت سیاسی؛

۸. رقابت سالم؛

۹. حاضر کردن مردم در صحنه و حساس نمودن آنها؛^(۷۵)

۱۰. ترویج معروف‌ها و جلوگیری از منکرهای سیاسی، اخلاقی و فرهنگی؛

۱۱. ایجاد وحدت و همدلی در بین مردم به منظور تقویت وحدت ملی؛

۱۲. جهت دادن به تمایلات انسان‌ها در بستر اجتماع برای رسیدن به سعادت.

برخی با مفروض انگاشتن مقتضیات نظری حزب سیاسی و بسترهای سیاسی و فرهنگی آن، با توجه به کارکردهای مثبت حزب، مبانی فقهی آن را استخراج نموده‌اند.

ز. تبیین حزب براساس اصل عدم‌المانع (کارکردهای منفی حزب): این عوارض منفی به نظر بعضی از نویسندگان اسلامی، ذاتی تحزب هستند و برخی دیگر نیز عکس آن

الف. تمسک به مقدمه واجب در تبیین ضرورت حزب صحیح نیست؛ چون احزاب به مثابه مقدمه برای حفظ نظام اسلامی و شناسایی حاکم اسلامی در نظر گرفته شده‌اند، در حالی که تنها مقدمه برای نیل به ذی‌المقدمه نمی‌باشند. در علم اصول در صورتی که تحقق ذی‌المقدمه منوط به تحقق تنها یک مقدمه باشد آن مقدمه واجب است.

ب. تقدم احزاب برای واجب مذکور محل بحث و تردید است. اگر بتوان حفظ نظام اسلامی و یا شناسایی حاکم اسلامی را با ابزار و مقدمات دیگری عینیت بخشید، دیگر نیازی به احزاب از باب مقدمه واجب نمی‌باشد.^(۷۱)

ج. این استدلال محل تأمل جدی است. ولی فقیه در نظریه نصب، منصوب از جانب شارع است و تشخیص ولی فقیه نیز مربوط به کارشناسان خبره است و ورود احزاب سیاسی در این روند، آن را دچار آفت‌های انتخاباتی می‌کند که اصلاً به مصلحت نیست؛ چراکه مستلزم نوعی رقابت و نزاع‌های حزبی و سیاسی است که با جنبه الهی آن سازگاری ندارد.^(۷۲)

د. تبیین حزب براساس اصل بیعت: در این باره اختلاف نظر وجود دارد. برخی بیعت و انتخابات را یکی دانسته و از این طریق، مبانی فقهی انتخابات را - که یکی از مؤلفه‌های حزب می‌باشد - مسلم تلقی می‌کنند.^(۷۳)

اما برخی فقها بین آن دو فرق قایل شده‌اند. در بیعت حق فسخ وجود ندارد، اما در انتخابات، انتخاب‌کنندگان می‌توانند به طور دسته‌جمعی انتخاب‌شونده را از مقام خود عزل کنند.^(۷۴)

ه. تبیین حزب براساس اصل امور حسبیه: در این رویکرد، نهاد حسبیه موضوعیت ندارد و کارکردهای آن اصل دانسته شده است و در نهایت، هر شکل و اداره‌ای که بتواند وظایف این نهاد را انجام دهد تحت عنوان کلی

توجه به الزامات حزب و جناح خود عمل می‌کنند، در واقع، بسیاری از قوانین احکام شریعت را بنا بر مصالح حزب و گروه خاص خویش توجیه و تفسیر می‌نمایند و همواره خود و گروه خود را در مقابل رقیب تزکیه می‌کنند: ﴿فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾ (نجم: ۳۲)

به طور کلی، نظام‌های حزبی همواره از کارویژه اصلی خود، به عنوان ابزار کشف مصالح نوعی و مشارکت سیاسی، تغییر ماهیت داده و شریعت و انسان‌ها را در خدمت منافع حزبی و جناحی قرار می‌دهند و طبعاً حیات معقول انسان‌ها را تحدید می‌کنند.^(۷۸)

اکثر اندیشه‌ورانی که درباره حزب به بحث پرداخته‌اند با رویکرد اقتضایی بوده است؛ یعنی آنها مقتضی وجود حزب را بررسی، اثبات و پذیرفته‌اند، اما از باب عدم‌المانع درباره کارکردهای منفی حزب و نسبت دین با آنها نظری و راه‌حلی ارائه نداده‌اند. تردیدی نیست که کارکردهای مثبت احزاب سیاسی با منع و حظر شرعی مواجه نخواهد بود، بلکه می‌تواند مصداق عناوین مطلوب شرع باشد، اما آنچه چالش‌برانگیز است کارکردهای منفی احزاب سیاسی است. در این سطح، راه‌کاری که برای برون‌رفت از این چالش پیشنهاد می‌شود نگاه به سیره عملی معصومان علیهم‌السلام در ارتباط با گروه‌هایی است که برخی از کارویژه‌های احزاب سیاسی را داشته‌اند. برای مثال، در زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز گروه‌های مخالفی مانند خوارج و ناکثین حضور داشتند که برخورد امیرالمؤمنین علیه‌السلام با آنها می‌تواند از باب عدم‌المانع مورد مذاقه قرار گیرد. «امیرالمؤمنین علیه‌السلام با خوارج در منتهای درجه دموکراسی رفتار کرد، در حالی که او خلیفه بود و آنها رعیتش و هرگونه اعمال سیاستی برایش مقدور بود، اما زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آنان را از بیت‌المال قطع نکرد. به آنها نیز همچون سایر افراد می‌نگریست...

را معتقدند: محمد عبدالقادر ابوفارس، برخی عوارض منفی حزب در دولت اسلامی را چنین ذکر می‌کند:

۱. از جمله مهم‌ترین عوارض منفی تکثرگرایی و احزاب سیاسی، ایجاد تفرقه و تنازع و احیا و گسترش اختلافات مکنون در جامعه اسلامی است که باعث تضعیف قوای امت و سستی بنیاد دولت اسلامی در برابر دشمنان می‌شود: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال: ۴۶)

در شرایط التهاب انتخاباتی، احزاب سیاسی که در جست‌وجوی رأی مردم هستند، فکر اجتهادی رقیب را به شدت مورد هجوم قرار می‌دهند. خصومت‌ها و پرده‌داری‌ها افزون شده و مخاصمات از سطح زبان، به درگیری‌های اجتماعی کشیده می‌شود.^(۷۶)

۲. گفته می‌شود که احزاب سیاسی، آرامش و اعتقاد انسان‌ها را تهدید می‌کنند و با ایجاد فضای تردید و عدم اطمینان در جامعه، باعث ایجاد تشویش روانی و اضطراب در افکار و اذهان می‌شوند و بدین ترتیب، موجب اختلال در فرهنگ دینی، اخلاقی، حقوقی و سیاسی خواهند بود.

۳. فعالان حزبی و حامیان توده‌ای آنان، قهراً مرتکب بعضی از محظورات و محرّمات شرعی شده و طبعاً احزاب سیاسی در طریق مقدمات ارتکاب حرام قرار می‌گیرند. مسائلی نظیر غیبت، نمّامی، دروغ و شهادت دروغ، تعریف بیجا و اغراق‌آلود همدلان و بدگویی از مخالفان، افترا و تجسس حرام را سبب شده و به طور کلی، باعث چهره‌سازی‌های مثبت و منفی در سایه تبلیغات احساسی می‌شوند و موجب رشد تدلیس و ریا در عقاید و رفتار سیاسی می‌گردند.^(۷۷)

۴. تعصب حزبی یکی از آفاتی است که موجب خدشه در آزاداندیشی و عقلانیت افراد می‌شود. فعالان حزبی که با

و کوچک قبیلگی است. منشأ پیدایش احزاب را می‌توان ناشی از گسست‌ها، اختلاف‌ها و تضادهای اجتماعی دانست که در سطح جوامع رخ می‌داد که در آن، افرادی برای کسب قدرت و مقابله با گروه حاکم بر اجتماع، اقدام به ایجاد گروه‌هایی رقیب می‌کردند.

۲. این مفهوم از حزب ضمن آنکه با تعاریفی که اهل زبان و نیز سیاست‌شناسان از حزب ارائه کرده‌اند سازگار است، با کاربری حزب در متون اسلامی نیز همخوانی دارد. حزب سیاسی به این اعتبار، اختصاص به هیچ تمدنی ندارد، بلکه حزب به این معنا عام و جهان‌شمول است که قدمتی کهن به عمق تاریخ شکل‌گیری جوامع کوچک تا به امروز را دارد. از این رو، می‌توان گفت که حزب به مفهوم عام، در همه جوامع از جمله جوامع اسلامی و غربی به نوعی وجود داشته است. بنابراین، حزب را باید به گونه‌ای تعریف کرد که هم بر حزب‌الله صدق کند و هم بر حزب‌الشیطان و همچنین منطبق با مفهوم امروزی آن در ادبیات علوم سیاسی و اجتماعی در همه جوامع باشد.

۳. تعریف مطلوب ما از «حزب» چنین است: «حزب به گروهی منسجم از انسان‌ها اطلاق می‌شود که دارای شکل سیاسی و سازمان‌یافته، و اصول، مبانی و آرمان‌های مشترک هستند و درصدد دست‌یابی به اهداف تعیین‌شده از طریق کسب قدرت یا کنترل حکومت می‌باشند که در نتیجه آن، سیاست‌های مطلوب خود را در قالب تصمیم‌سازی‌ها و سطوح سیاسی جامعه اعمال و تعقیب می‌نمایند.»

۴. با توجه به استعمالات حزب در منابع دینی، از جمله ذکر دو اصطلاح «حزب‌الله» و «حزب‌الشیطان» و شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن در قرآن، روشن شد که بین حزب به مفهوم اسلامی و غربی، در حوزه مفهومی

آنها در همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خودش و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه‌رو می‌شدند و صحبت می‌کردند.^(۷۹) «آنها در ابتدا آرام بودند... اما کم‌کم روششان را عوض کردند و تصمیم گرفتند دست به انقلاب بزنند. حرکت کردند و دست به طغیان زدند. امنیت راه‌ها را سلب کردند، غارتگری و آشوب را پیشه کردند. می‌خواستند با این وضعیت دولت را تضعیف کنند و حکومت امام علی (ع) را از پای درآورند. اینجا دیگر جای آزادی نبود؛ زیرا اظهار عقیده نیست، بلکه اخلال به امنیت اجتماعی و قیام مسلحانه علیه حکومت شرعی است.»^(۸۰) پس آزادی احزاب سیاسی تا سطحی قابل قبول است که نظم و امنیت عمومی جامعه، جان و مال مردم، حکومت شرعی، استقلال کشور و اساس اسلام در خطر نباشد. «در حکومت اسلامی احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیراسلامی هم دارد آزاد است، اما اجازه توطئه‌گری و فریب‌کاری نمی‌دهیم.»^(۸۱)

تحلیل و بررسی: اشکال نگاه کارکردگرایانه به حزب در این است که «حزب سیاسی نیز همانند هر ابزار اعتباری و عقلایی دیگر، امری ذووجهین است و همزمان پیامدهای مثبت و منفی خاصی در ساخت عمومی و سیاسی جامعه برجای می‌گذارد.»^(۸۲) از این رو، با رویکرد و نگاه صرف به کارکردهای مثبت و یا منفی حزب نمی‌توان مبنای فقهی آن را استخراج و تدوین کرد، بلکه باید با نگاهی جامع به مبانی و کارکردهای حزب، اعم از مثبت و منفی، آن را بررسی کرد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، می‌توان نتایج ذیل را استخراج کرد:

۱. با بررسی مفهوم حزب با رویکرد تاریخی و به معنای عام و جهان‌شمول آن، این نتیجه حاصل می‌شود که «حزب» پدیده‌ای همزاد تشکیل اولین اجتماعات کهن

۸. با توجه به اینکه امت اسلامی می‌تواند با رعایت شاخصه‌هایی که در آیه ۲۲ سوره «مجادله» ذکر شد، همگی تحت عنوان حزب‌الله قرار گیرند (مانند جامعه امام زمان بعد از اصلاحات مهدوی) یا افراد جامعه‌ای همگی تحت عنوان حزب‌الشیطان قرار گیرند (مانند صهیونیست‌ها)، از این رو، تعدد احزاب در جامعه جزء ویژگی‌های لاینفک حزب شمرده نمی‌شود.

۹. می‌توان تصور کرد که در جامعه اسلامی احزابی مخالف حکومت اسلامی و یا حتی احزابی که معتقد به ارزش‌های اسلامی نیستند شکل گرفته باشند. طبیعی است چارچوب فعالیت این احزاب، قانون اساسی حاکم در جامعه، که الهام گرفته از اسلام است، می‌باشد، یعنی برابند فعالیت آنان از سویی نباید به تضعیف نظام اسلامی منجر شود و از سوی دیگر، باید مستقیم و غیرمستقیم جهت‌گیری فعالیتشان در راستای کمک به تأمین معاش و معاد باشد. (۸۴)

۱۰. میزان خوب یا بد بودن حزب، شاخصه‌های درون دینی و درون فرهنگی است و اسم ملاک نیست. «این طور نیست که حزب خوب یا بد باشد یا هر حزبی خوب باشد؛ میزان ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد این حزب شیطان است، هر اسمی هم داشته باشد. بنابراین، ما باید کوشش کنیم حزبان را حزب‌الله قرار دهیم.» (۸۵)

تفاوتی وجود ندارد و تقسیم قرآنی حزب صرفاً با ملاک اعتقادی صورت نگرفته است، بلکه شاخصه‌ها و مؤلفه‌های حزب از جمله سازمان‌دهی در قالب یک تشکل سیاسی و سازمانی (ساختار)، اهداف و آرمان‌های سیاسی مشترک (اهداف) و تلاش برای جلب حمایت عمومی و رقابت و تلاش برای کسب قدرت و کنترل حکومت (رقابت و کارویزه) (۸۳) و تمایز براساس برخی مابه‌التفاوت‌ها در اصطلاح دینی حزب نیز وجود دارد.

۵. واضح است که بین حزب در اسلام با آنچه در غرب وجود دارد در مبانی معرفتی و ارزشی تفاوت‌هایی بنیادی وجود دارد. قدرت در اسلام و حزب اسلامی ارزش و هدف غایی و نهایی نیست، بلکه هدف میانی و ابزاری برای تحقق هدف اصلی از حکومت، که همان رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد، به شمار می‌رود. اما این نکته مانع اشتراک مفهومی این واژه در فرهنگ اسلامی و غربی نخواهد شد.

۶. با پذیرش مفهوم عام مذکور از حزب و با توجه به شاخص قرآنی برای دسته‌بندی احزاب، می‌توان پیشینه احزاب را در اول خلقت و در قالب دو حزب «حزب‌الله» (با عضویت حضرت آدم و حواء و هابیل) و «حزب‌الشیطان» (با عضویت ابلیس و جنودش از جمله قابیل) جست‌وجو کرد.

۷. در زمان حکومت اسلامی پیامبر ﷺ نیز می‌توان از دسته‌بندی‌های موجود تعبیر به حزب کرد؛ مانند: «حزب انصار»، «حزب مهاجرین»، «حزب قریش»، «حزب یهود»، و قبایل دیگری که مطرح بودند. از این رو، جنگی که برآمده از ائتلاف قریش با یهود و دیگر قبایل دشمن برضد اسلام شکل گرفت، به «جنگ احزاب» شهرت یافت. در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، نیز می‌توان از احزابی همچون «ناکتین»، «قاسطین»، و «مارقین» نام برد.

- ۳۲- علی آقابخشی و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۹۳.
- ۳۳- قانون فعالیت احزاب جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱.
- ۳۴- موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، ص ۱۳۷.
- ۳۵- حجت‌الله ایوبی، همان، ص ۶۰.
- ۳۶- همان، ص ۶۵.
- ۳۷- ر.ک: موریس دوورژه، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علوی.
- ۳۸- ی. سو. الوین، تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، ص ۴۱.
- ۳۹- برای آگاهی بیشتر، ر.ک: دان کیویت، دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد، ص ۴۱۳.
- ۴۰- احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳.
- ۴۱- قاسمعلی صداقت، همان، ص ۸۸-۷۳.
- ۴۲- محمدعلی وکیلی، جایگاه و کارکرد احزاب سیاسی در نظام سیاسی اسلام، ص ۱۹۹-۲۰۰.
- ۴۳- جواد غزنوی، «راه‌های گشایش توسعه دینی»، گفتمان نو، ش ۵، ص ۱۰۸-۱۰۹.
- ۴۴- محمد مجتهد شبستری، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ص ۱۸.
- ۴۵- همو، امتناع مبانی فقهی و کلامی حزب، ص ۱۳۵-۱۳۶.
- ۴۶- ر.ک: قاسمعلی صداقت، همان.
- ۴۷- صادق زیباکلام، استبداد مانع تاریخی حزب در ایران، ص ۱۹۶-۱۹۸.
- ۴۸- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۴۹- ر.ک: عبدالجواد یاسین، السلطة فی الاسلام.
- ۵۰- داوود فیرحی، مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه، ج ۳، ص ۹۹.
- ۵۱- همان.
- ۵۲- محمد عبدالکریم عتوم، النظرية السياسية المعاصرة للشيعة، ص ۴۵-۵۶.
- ۵۳- داوود فیرحی، مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه.
- ۵۴- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۵۵- داوود فیرحی، مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه، ص ۱۰۳-۱۰۴.
- ۵۶- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۵۷- داوود فیرحی، مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه، ص ۱۰۳-۱۰۴.
- ۵۸- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۵۹- ر.ک: عبدالقیوم سجادی، «نگرش دینی بر مؤلفه‌های مقوم حزب»، بازتاب اندیشه، ش ۲۱.
- ۶۰- محمد تقی، حزب و احزاب در مبانی فرهنگ اسلامی، ص ۱۸-۱۷.
- ۶۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۶۵.
- پی‌نوشت‌ها
- ۱- احمد نقیب‌زاده، حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸.
- ۲- حجت‌الله ایوبی، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
- ۳- عبدالقیوم سجادی، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- ۴- داوود فیرحی، مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه، تهران، همشهری، ۱۳۷۸.
- ۵- قاسمعلی صداقت، «حزب و مبانی آن در فقه سیاسی شیعه»، معرفت، ش ۱۲۵، اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۸۸-۷۳.
- ۶- محمدجواد نوروزی، «جایگاه حزب در اسلام»، معرفت، ش ۹۰، خرداد ۱۳۸۴، ص ۹۶-۱۰۳.
- ۷- محمدعلی خلیلی، فرهنگ عربی به فارسی، ص ۱۲۲.
- ۸- ر.ک: خلیل الجر، فرهنگ لاروس، ترجمه احمد طیبیان.
- ۹- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۲۳۱.
- ۱۰- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۰۷.
- ۱۱- فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۱۲، ص ۳۸۷.
- ۱۲- احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳.
- ۱۳- همان، ص ۱۴.
- ۱۴- مائده: ۵۶؛ مجادله: ۱۹ و ۲۲؛ مؤمنون: ۵۳؛ فاطر: ۶؛ روم: ۳۲.
- ۱۵- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۷۳.
- ۱۶- همان، ج ۱۵، ص ۴۷.
- ۱۷- فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۱۲، ص ۳۸۷.
- ۱۸- علی بن احمد واحدی، اسباب‌النزول، ج ۱، ص ۲۰۲.
- ۱۹- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۳، ص ۳۴۶.
- ۲۰- هود: ۱۷؛ رعد: ۳۶؛ مریم: ۳۷؛ احزاب: ۲۰ و ۲۲؛ ص: ۱۱ و ۱۳؛ غافر: ۵ و ۳۰؛ زخرف: ۶۵.
- ۲۱- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۲۲- محمدباقر مجلسی، بحار‌الانوار، ج ۲۳، ب ۷، ص ۱۴۴.
- ۲۳- همان، ج ۱۸، ب ۳، ص ۳۴۱.
- ۲۴- میرزا حسین نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ب ۲۳، ص ۲۵۶.
- ۲۵- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲، ب ۱۴، ص ۹۸.
- ۲۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۳۱، ص ۵۵۹.
- ۲۷- احمد پیشه‌وری، درسنامه جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۷۲.
- ۲۸- موریس دوورژه، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، ص ۴۲۶.
- ۲۹- احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳.
- ۳۰- دیوید رابرتسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، ص ۱۱۰.
- ۳۱- ر.ک: عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، ص ۲۲۵-۲۴۳.

- ۶۲- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۶۳- همان.
- ۶۴- همان.
- ۶۵- محمد عماره، *الاسلام و التعددية*، ص ۱۶۵.
- ۶۶- داوود فیرحی، *مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه*، ص ۱۰۴-۱۰۳.
- ۶۷- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۶۸- همان.
- ۶۹- ر.ک: داوود فیرحی، *مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه*.
- ۷۰- حسینعلی منتظری، *استفتائات*، ج ۲، ص ۲۶۷.
- ۷۱- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۷۲- ر.ک: قاسمعلی صداقت، همان، ص ۸۸-۷۳.
- ۷۳- ر.ک: محمدمهدی آصفی، *ولایة الامر (نصب حاکم در عصر غیبت و بیعت سیاسی)*.
- ۷۴- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۲۲، ص ۷۲-۷۱.
- ۷۵- سیدصادق حقیقت، «جایگاه احزاب در اندیشه سیاسی اسلام»، *علوم سیاسی*، ش ۳، ص ۱۵۹-۱۵۸.
- ۷۶- محمد عبدالقادر ابوفارس، *التعددية فی ظل الدولة الاسلامیه*، ص ۴۱.
- ۷۷- محمدتقی جعفری، «پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی»، *نقد و نظر*، ش ۳ و ۴، ص ۳۴۳.
- ۷۸- محمد عبدالقادر ابوفارس، همان، ص ۴۲.
- ۷۹- مرتضی مطهری، *جاذبه و دافعه علی‌الصلوات*، ص ۱۳۹.
- ۸۰- همان، ص ۱۴۳-۱۴۲.
- ۸۱- مرتضی مطهری، *پیرامون انقلاب اسلامی*، ص ۱۷.
- ۸۲- داوود فیرحی، «مبانی حزب و آزادی در اسلام»، *علوم سیاسی*، ش ۳، ص ۱۳۳.
- ۸۳- احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳.
- ۸۴- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۸۵- امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۷، ص ۴۵.
- ۶۲- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۶۳- همان.
- ۶۴- همان.
- ۶۵- محمد عماره، *الاسلام و التعددية*، ص ۱۶۵.
- ۶۶- داوود فیرحی، *مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه*، ص ۱۰۴-۱۰۳.
- ۶۷- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۶۸- همان.
- ۶۹- ر.ک: داوود فیرحی، *مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه*.
- ۷۰- حسینعلی منتظری، *استفتائات*، ج ۲، ص ۲۶۷.
- ۷۱- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۷۲- ر.ک: قاسمعلی صداقت، همان، ص ۸۸-۷۳.
- ۷۳- ر.ک: محمدمهدی آصفی، *ولایة الامر (نصب حاکم در عصر غیبت و بیعت سیاسی)*.
- ۷۴- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۲۲، ص ۷۲-۷۱.
- ۷۵- سیدصادق حقیقت، «جایگاه احزاب در اندیشه سیاسی اسلام»، *علوم سیاسی*، ش ۳، ص ۱۵۹-۱۵۸.
- ۷۶- محمد عبدالقادر ابوفارس، *التعددية فی ظل الدولة الاسلامیه*، ص ۴۱.
- ۷۷- محمدتقی جعفری، «پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی»، *نقد و نظر*، ش ۳ و ۴، ص ۳۴۳.
- ۷۸- محمد عبدالقادر ابوفارس، همان، ص ۴۲.
- ۷۹- مرتضی مطهری، *جاذبه و دافعه علی‌الصلوات*، ص ۱۳۹.
- ۸۰- همان، ص ۱۴۳-۱۴۲.
- ۸۱- مرتضی مطهری، *پیرامون انقلاب اسلامی*، ص ۱۷.
- ۸۲- داوود فیرحی، «مبانی حزب و آزادی در اسلام»، *علوم سیاسی*، ش ۳، ص ۱۳۳.
- ۸۳- احمد نقیب‌زاده، همان، ص ۱۳.
- ۸۴- ر.ک: محمدجواد نوروزی، همان.
- ۸۵- امام خمینی، *صحیفه نور*، ج ۱۷، ص ۴۵.
- منابع**
- آصفی، محمدمهدی، *ولایة الامر*، تهران، مجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامی، ۱۴۲۶ق.
- آقابخشی، علی و دیگران، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار، ۱۳۸۳.
- ابوفارس، محمد عبدالقادر، *التعددية فی ظل الدولة الاسلامیه*، لبنان، الریان، ۱۹۹۴م.
- الجبر، خلیل، *فرهنگ لاروس*، ترجمه احمد طبیبیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- الوین. ی، سو، *تغییر اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- امام خمینی، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
- پیشه‌وری، احمد، *درس‌نامه جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- جعفری، محمدتقی، «پلورالیسم و کثرت‌گرایی دینی»، *نقد و نظر*، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵.
- خلیلی، محمدعلی، *فرهنگ عربی به فارسی*، تهران، کتابفروشی علمی، بی‌تا.
- داوود فیرحی، *مبانی فقهی و کلامی حزب در مذهب شیعه*، تهران، همشهری، ۱۳۷۸.
- دوروزه، موریس، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۹.
- —، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- —، *احزاب سیاسی*، ترجمه رضا علوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- رابرتسون، دیوید، *فرهنگ سیاسی معاصر*، ترجمه عزیز کیانوند، تهران، البرز، ۱۳۷۵.
- رازی، فخر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- زیباکلام، صادق، *استبداد مانع تاریخی حزب در ایران*، مجموعه مقالات حزب و توسعه سیاسی، تهران، همشهری، ۱۳۷۸.
- سجادی، عبدالقیوم، *مبانی حزب در اندیشه سیاسی اسلام*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- —، «نگرش دینی بر مؤلفه‌های موقوم حزب»، *بازتاب اندیشه*، ش ۲۱، آذر ۱۳۸۰، ص ۴۳-۴۹.
- صداقت، قاسمعلی، «حزب و مبانی آن در فقه سیاسی شیعه»، *معرفت*، ش ۱۲۵، اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۸۸-۷۳.

- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نی، ۱۳۷۳.

- عبدالکریم عتوم، محمد، النظریه السیاسیه المعاصر للشیعه، عمان، دارالبشیر، ۱۹۹۸م.

- غزنوی، جواد، «راههای گشایش توسعه دینی»، گفتمان نو، ش ۵، بهار ۱۳۸۴.

- فیرحی داوود، «مبانی حزب و آزادی در اسلام»، علوم سیاسی، ش ۳، زمستان ۷۷، ص ۱۳۳-۱۴۹.

- کیویت، دان، دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۷.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.

- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

- مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، اسلامی، ۱۳۶۱.

—، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، چ نوزدهم، قم، صدرا، ۱۳۷۴.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

- نقیبزاده، احمد، حزب و نقش آن در جوامع امروز، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸.

- نوروزی، محمدجواد، «جایگاه حزب در اسلام»، معرفت، ش ۹۰، خرداد ۱۳۸۴، ص ۹۶-۱۰۳.

- نوری، میرزا-حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.

- واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.

- وکیلی، محمدعلی، جایگاه و کارکرد احزاب سیاسی در نظام سیاسی اسلام، مجموعه مقالات تحزب و توسعه، تهران، همشهری، ۱۳۷۸.

- یاسین، عبدالجواد، السلطه فی الاسلام، بیروت، المرکز الثقافی العربی، ۱۹۹۸م.